

فرهنگ استراتژیک و مشارکت روسیه در روندهای تسلیحاتی غرب آسیا

امیرمحمد حاجی یوسفی^۱

عباس ذوالفقاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال دهم / شماره سی و ششم - پائیز ۱۳۹۶

چکیده

سیاست خارجی و دفاعی-امنیتی روسیه از فرهنگ استراتژیک این کشور متأثر است و مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک، به‌مثابه پیش‌ران‌های سیاست خارجی، موجب شکل‌گیری چشم‌انداز بین‌المللی این کشور شده‌اند. ایفای نقش «قدرت بزرگ جهانی»، از محورهای چشم‌انداز بین‌المللی روسیه است که تقویت توان تسلیحاتی این کشور در داخل و توجه به بازارهای صادرات تسلیحات را در راستای کسب منافع اقتصادی و افزایش نفوذ سیاسی در پی داشته است. رخداد جریان موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱، نقطه عطفی در سیاست خارجی و به تبع آن، سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه غرب آسیا بود و موجب شد توسعه روابط با کشورهای این منطقه در دستور کار جدی دستگاه سیاست خارجی این کشور قرار گیرد. در حوزه تسلیحاتی، روسیه سیاست حفظ و توسعه همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی موجود با برخی کشورهای منطقه مانند ایران، احیای بازارهای تسلیحاتی سنتی شوروی سابق مانند عراق و ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی مانند ترکیه در این منطقه را پیگیری خواهد کرد. سؤال اصلی مقاله این است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سیاست تسلیحاتی روسیه در غرب آسیا و مهم‌ترین پیامد امنیتی آن در دو دهه اخیر چیست؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه فرهنگ استراتژیک روسیه مهم‌ترین عامل مؤثر بر تقویت مشارکت این کشور در روندهای تسلیحاتی منطقه غرب آسیاست که از شکل‌گیری نظام بین‌الملل مداخله‌گر (تحت سلطه آمریکا) در منطقه جلوگیری می‌کند و شکل‌گیری نظام چندقطبی منطقه‌ای و در نتیجه ثبات بیشتر را نوید می‌دهد. این مقاله می‌کوشد با توصیف مؤلفه‌های مؤثر فرهنگ استراتژیک روسیه، منطبق راهبردی این کشور در مشارکت فزاینده در روندهای تسلیحاتی غرب آسیا و پیامد امنیتی آن را تبیین کند.

واژگان کلیدی

روسیه، سیاست خارجی، سیاست دفاعی-امنیتی، فرهنگ استراتژیک، منطقه غرب آسیا.

۱. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (am-yousefi@sbu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (ab_zolfaghari@sbu.ac.ir).



مقدمه

حضور شوروی در منطقه غرب آسیا به اواسط دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد که مشارکت فعالی را در این منطقه آغاز کرد. دیری نپایید این حضور فعال منجر به بروز رقابت شدید با امریکا شد. هرچند شوروی به شکل‌گیری دولت اسرائیل کمک کرده بود، در سال‌های بعد سیاست خود را تغییر داد و روابط خوبی را با برخی کشورهای عربی منطقه از جمله الجزایر، مصر، عراق، لیبی و سوریه و حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین که از دشمنان اسرائیل بودند، برقرار کرد. فروش تسلیحات نظامی و تجهیز ارتش‌های عربی تا زمان فروپاشی شوروی، در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار داشت و از این طریق تلاش می‌کرد ضمن حفظ نفوذ سیاسی در کشورهای عربی متمایل به بلوک شرق، توازن قدرت در منطقه را حفظ کند. در این دوران منفعت اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات نظامی در اولویت قرار نداشت.

فروپاشی شوروی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ و افول قدرت آن، به‌مثابه شوک خارجی عمل کرد و علاوه بر تغییر در معادلات جهانی قدرت، موجب تغییر در مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک این کشور شد. در دهه اول دوران پسا شوروی متأثر از مشکلات سیاسی و اقتصادی، شاهد نوعی سرگردانی هویتی و حاکمیت گفتمان‌های مختلف آتلانتیک‌گرایی، ملی‌گرایی و اوراسیاگرایی در عرصه سیاست خارجی این کشور هستیم. در این دوره منطقه غرب آسیا جایگاهی در این سیاست نداشت و تقریباً به فراموشی سپرده شد. در طول این دهه و با کمک نخبگان سیاسی، فرهنگ استراتژیک روسیه جدید شکل گرفت و بر بستر این فرهنگ استراتژیک، سیاست خارجی جدیدی تدوین شد که از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی و در چهارچوب دکترین جهان چندقطبی پوتین، بار دیگر منطقه غرب آسیا در دستور کار سیاست خارجی روسیه قرار گرفت و اقدامات نه‌چندان جدی در این راستا انجام شد که با استقبال کشورهای منطقه نیز مواجه نشد. شروع حوادث موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ نقطه عطفی در احیای سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه غرب آسیا بود؛ خسارات سنگین اقتصادی در لیبی و تنزل اعتبار و وجهه روسیه در منطقه، به‌ویژه از سوی افکار عمومی داخلی مورد انتقاد جدی قرار گرفت. روی کار آمدن دولت‌های همسو با غرب در این کشورها، درک کلی دستگاه سیاست خارجی روسیه درباره کشورهای منطقه را تغییر داد و سبب شد روس‌ها به‌منظور تأمین منافع ملی خود، توسعه روابط با کشورهای غرب آسیا را به‌صورت ویژه و مستقل پیگیری کنند. در این راستا سیاست‌های تسلیحاتی



نقش مهمی را ایفا کردند؛ به گونه‌ای که با سرایت بحران به سوریه، روسیه به‌عنوان تنها تأمین‌کننده سلاح و تجهیزات ارتش سوریه، معادلات محور غربی-عربی را بر هم زد. گذشت زمان و اقدامات بعدی روس‌ها نشان داد که ورود روسیه به منطقه، اقدامی مقطعی و صرفاً در راستای حفظ منافع خود در سوریه نیست، بلکه این کشور درصدد احیای حضور خود در منطقه غرب آسیاست و تلاش خواهد کرد به‌عنوان بازیگر مؤثر به رسمیت شناخته شود.

درحالی‌که پژوهشگرانی مانند کوژانوف (Kozhanov, 2016) و سلیم اوزرتم (Selim Ozertem, 2015) سیاست خارجی و تسلیحاتی روسیه و مشارکت این کشور در روندهای تسلیحاتی منطقه غرب آسیا را با توسل به رویکرد رئالیستی تبیین و تفسیر می‌کنند، این مقاله درصدد است با بهره‌گیری از رویکرد فرهنگ استراتژیک و لحاظ کردن تأثیر عوامل داخلی و عناصر غیرمادی قدرت، این رویداد را تحلیل و تبیین کند. پرسش اصلی مقاله این است که مهم‌ترین عامل اثرگذار بر سیاست تسلیحاتی روسیه در غرب آسیا و مهم‌ترین پیامد امنیتی آن در دو دهه اخیر چیست؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه فرهنگ استراتژیک روسیه مهم‌ترین عامل مؤثر بر تقویت مشارکت این کشور در روندهای تسلیحاتی منطقه غرب آسیاست که از شکل‌گیری نظام بین‌الملل مداخله‌گر (تحت سلطه آمریکا) در منطقه جلوگیری می‌کند و شکل‌گیری نظام چندقطبی منطقه‌ای و در نتیجه ثبات بیشتر را نوید می‌دهد.

تمهید مفهومی-نظری

اگرچه رویکردهای فرهنگی مطالعات استراتژیک از هزاران سال قبل در قالب‌های مختلف وجود داشته و این استدلال که فرهنگ بر سیاست‌های امنیت ملی تأثیر می‌گذارد سخن تازه‌ای نیست و در نوشته‌های کلاسیک نویسندگانی مانند توسیدید، سونتزو و کلاوزویتس قابل ردیابی است، ظهور و توسعه ایده مدرن فرهنگ استراتژیک به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. پژوهش درباره فرهنگ استراتژیک نخستین بار توسط جک اسنایدر در سال ۱۹۷۷ و به‌منظور بررسی فاکتورهایی که ممکن است بر واکنش‌های شوروی در برابر عملیات‌های هسته‌ای محدود آمریکا اثر بگذارند صورت گرفت. اسنایدر نشان داد که شوروی فرهنگ استراتژیک مشخص دارد و تجربیات منحصربه‌فرد تاریخی، روابط سیاسی و نهادی متمایز و درگیری با معضلات راهبردی متفاوت با آنچه آمریکا درگیر آن است، ترکیبی از باورهای راهبردی منحصربه‌فرد و الگوی رفتار استراتژیک مبتنی بر این باورها را تولید کرده است (Snyder, 1977).

پس از اسنایدر، تلاش‌هایی در حوزه فرهنگ استراتژیک کشورها انجام شد، اما این مفهوم در دوره پس از جنگ سرد از رونق افتاد. باین حال در سال‌های اخیر مفهوم فرهنگ استراتژیک گونه‌ای نوزایش را تجربه کرده است. به گفته برخی پژوهشگران، فرهنگ استراتژیک متغیری تعیین‌کننده است که می‌تواند نقش توانایی‌های مادی را در تبیین رفتار دولت‌ها در زمینه توسل به زور در روابط بین‌الملل تکمیل کند و در برخی موارد، آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. باین حال، ارزش این مفهوم به‌منزله ابزار تبیین، اهمیت ویژه دارد (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۷۲۰).

با وجود تمام تلاش‌های صورت‌گرفته، هیچ اجماعی درباره تعریف دقیق یا ویژگی‌های فرهنگ استراتژیک وجود ندارد، اما بسیاری از نویسندگان با تعریف ارائه‌شده توسط اسنایدر حداقل به‌صورت کلی توافق نظر دارند. جک اسنایدر فرهنگ استراتژیک را مجموعه‌ای از ایده‌ها، باورهای عمومی، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری توصیف می‌کند که اعضای جامعه از طریق آموزش و تقلید به دست می‌آورند و با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. رویکرد استفن روزن نیز شبیه اسنایدر است و فرهنگ استراتژیک را محصول باورها و فرضیات به‌اشتراک گذاشته‌شده می‌داند که به انتخاب راجع به رفتار نظامی بین‌المللی به‌ویژه تصمیم درباره شروع جنگ، ترجیح مدل‌های جنگ آفندی، پدافندی یا توسعه‌طلبانه و میزان تلفات قابل قبول در زمان جنگ شکل می‌دهد (Lavoy, 2005: 4).

در سال‌های بعد، جانستون تعریف مدرن‌تری از فرهنگ استراتژیک ارائه می‌دهد: از دید وی، فرهنگ استراتژیک مجموعه‌ای از باورهای مشترک، فرضیات و مدل‌های رفتاری است که از تجربیات مشترک و روایت‌های پذیرفته‌شده مشتق شده است و هویت جمعی و روابط با دیگر گروه‌ها را شکل می‌دهد و اهداف و ابزارهای مناسب برای دستیابی به اهداف امنیت ملی را مشخص می‌کند (Johnson, 2009: 9).

برخی دیگر فرهنگ استراتژیک را مجموعه باورها و نگرش‌های پایه‌ای جامعه دفاعی و امنیتی کشور درباره راهبردها و تهدیدات امنیتی آن کشور تعریف می‌کنند. کلین، از اندیشمندان نسل دوم، معتقد است فرهنگ استراتژیک مجموعه‌ای از نگرش‌ها و باورهاست که در درون سازمان نظامی قرار دارد و هدف سیاسی جنگ و مؤثرترین استراتژی و روش عملیاتی دستیابی به آن را بیان می‌کند (Klein, ۱۹۹۱: ۵). بریتز در کتاب نقش فرهنگ استراتژیک در مشارکت اروپا در عملیات‌های بین‌المللی از زاویه دیگری به مفهوم فرهنگ استراتژیک می‌پردازد و فرهنگ استراتژیک را چهارچوب‌های هنجاری و قانونی معرفی می‌کند که نه‌تنها به اتخاذ برخی تصمیمات منجر می‌شود،

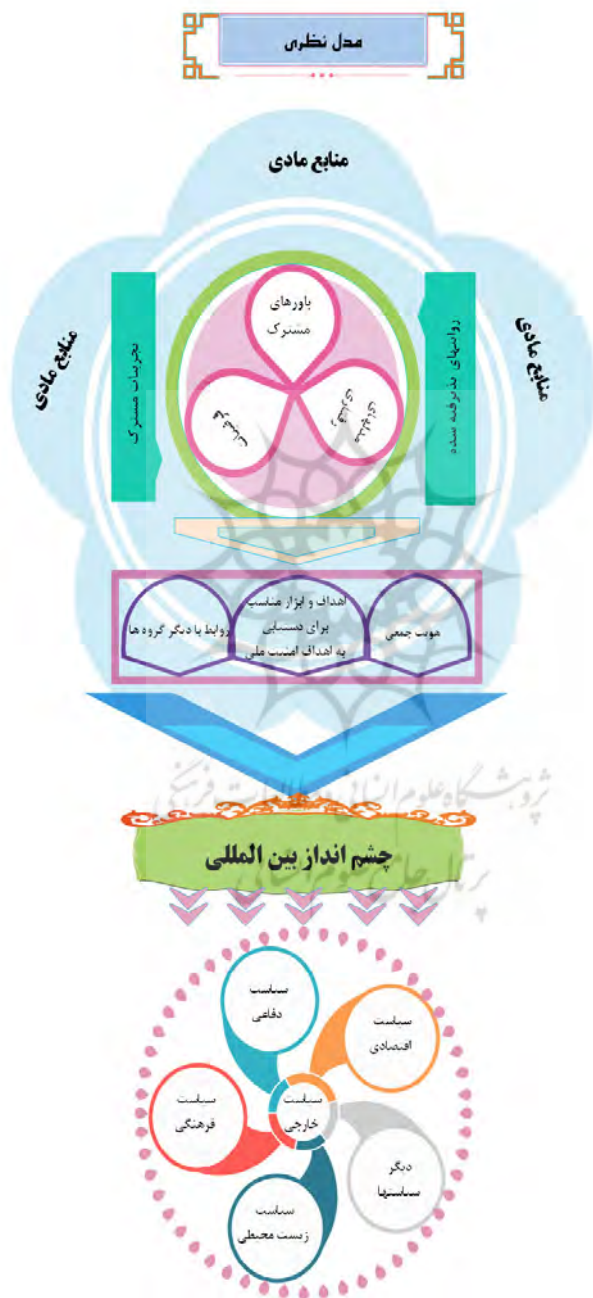


بلکه به مهار برخی تصمیمات نیز کمک می‌کند (Britz, 2016: 177). فرماندهی جنوبی امریکا (Command (SOUTHCOM) United States Southern) فرهنگ استراتژیک را ترکیبی از تجربیات و توانایی‌های داخلی و خارجی می‌داند که درک کشور از روابط خود با دیگر کشورهای جهان را شکل می‌دهد و اینکه دولت چگونه در نظام بین‌الملل رفتار خواهد کرد (Degaut, 2016: 9).

به‌طور کلی محققان دو رویکرد متمایز برای تحلیل فرهنگ استراتژیک ارائه می‌دهند: رویکرد نخست توسط محققانی ارائه می‌شود که تمایل دارند فرهنگ استراتژیک را تقریباً به‌طور انحصاری به‌عنوان استراتژی‌های نظامی که توسط کشورها در سیاست خارجی‌شان انتخاب می‌شود، تعریف کنند. این چشم‌انداز فرهنگ استراتژیک را به‌مثابه تمایل عمیقاً فرهنگی برای رفتار یا تفکر نظامی خاص که از تاریخ کشور، جغرافیا، منابع، سنت‌های تاریخی و نهادهای سیاسی مشتق می‌شود معرفی می‌کند و آن را مفهومی شامل باورهایی درباره‌ی استفاده از زور می‌داند که توسط جامعه‌ی ملی، رهبران سیاسی و نظامی به اشتراک گذاشته می‌شود؛

رویکرد دوم که در این مقاله نیز مد نظر است، معتقد است فرهنگ استراتژیک نتیجه‌ی محض اقدامات و تفکر نظامی نیست و تأثیرش در بسیاری از عرصه‌های دیگر مانند سیاست خارجی احساس می‌شود. بنابراین دومین رویکرد به دنبال توسعه‌ی دامنه است و بر استراتژی‌های بزرگ دولت‌ها و جنبه‌هایی به‌جز روش نظامی نظیر روش‌های دیپلماتیک و اقتصادی برای دستیابی به اهداف دولت متمرکز می‌شود. دافیلد (Duffield) بر این باور است که اهداف سیاست خارجی که توسط دولت پیگیری می‌شود، با فرهنگ استراتژیک آن دولت تعیین می‌شود. دولت‌ها استراتژی سیاست عملی (Realpolitik) را برای دستیابی به اهداف بین‌المللی دنبال می‌کنند که صرفاً از الزامات ناشی از فشار ساختار نظام بین‌الملل ناشی نمی‌شود. از سوی دیگر، رهبران کشورهای مختلف فرهنگ امنیتی واقع‌گرایانه را درک و درونی کرده‌اند که ضمن ترسیم تصویری از سیاست‌های بین‌المللی، آنها را به سمت مزیت رویکرد نظامی و تأکید بر اهمیت قدرت ملی هدایت می‌کند. از دید رزا، شکل‌گیری عوامل هویتی منجر به توسعه‌ی اولویت‌های خاصی می‌شود؛ کشوری که خود را دولت تاجر یا صلح‌طلب در نظر می‌گیرد متفاوت با دولتی عمل خواهد کرد که خودش را به‌عنوان ابرقدرت نظامی می‌شناسد. دولت‌ها منافع ملی را از طریق سیاست خارجی خود تعقیب می‌کنند و با تغییر هویت‌های اجتماعی، این منافع نیز در تعامل با دیگر کشورها می‌توانند تغییر کنند (Rosa, 2016: 22).

درمجموع این مقاله با اتخاذ رویکرد نظری فرهنگ استراتژیک، درصدد است سیاست تسلیحاتی روسیه و مشارکت این کشور در روند تسلیحاتی این منطقه و پیامدهای آن را تبیین و تفسیر کند.



فرهنگ استراتژیک روسیه

فرهنگ استراتژیک روسیه را بدون توجه به گذشته این کشور و فرهنگ استراتژیک شوروی نمی‌توان مطالعه کرد؛ هرچند گذر زمان و رخداد حوادث مهم، فروپاشی تجسم انسانی و مادی و نهادی فرهنگ استراتژیک شوروی را در پی داشت.

پس از گذشت یک دهه، از اواخر دهه ۹۰ میلادی عناصر نگرشی فرهنگ استراتژیک سنتی به‌ویژه خصومت و برداشت‌های تهدید از غرب و خشم از دست دادن جایگاه روسیه، شروع به بازیابی در بین نخبگان و مردم روسیه کرد. از علل این امر، اقدامات امریکا و ناتو بود. گسترش ناتو و مداخله در کشورهای دوست سابق روسیه در بالکان و صربستان، این ناامیدی گسترده را در بین مردم ایجاد کرد که امریکا و غرب درصدد نجات روسیه مخصوصاً در حوزه اقتصادی نیستند. در دوران زمامداری پوتین عناصر سیاسی و سیاست خارجی فرهنگ استراتژیک یعنی رقابت، تهاجم، برداشت‌های تهدید خارجی به‌ویژه از جانب امریکا و غرب و جسارت ستیزه‌جویانه در مرزها به‌طور فزاینده تقویت شدند؛ به‌گونه‌ای که «بازگشت روسیه»، به موضوع اصلی تفسیر کارشناسان و سیاستمداران تبدیل شد. ایدئولوژی ملی‌گرایی جای‌گزین ایدئولوژی کمونیسم شد که متمرکز بر منافع، امنیت و تأثیرگذاری روسیه به‌عنوان بازیگر بین‌المللی بود و روسیه برای دستیابی به مأموریت فراملی و جهان‌چندقطبی، همچنین مبارزه با تهدیدات متصور از فرهنگ غربی، هویت ژئوپلیتیکی اوراسیا را مجزا از غرب ایجاد کرد. این ایده به‌ویژه در سال‌های بعد به مدد درآمدهای هنگفت نفتی تقویت شد و دولت پوتین اعلام کرد که قصد روسیه به استفاده از منابع انرژی و عرضه سهم عمده انرژی در بازار جهانی، روسیه را به قدرت بزرگ انرژی یا حتی سوپر قدرت انرژی تبدیل خواهد کرد. هشدار جدی زمانی به صدا درآمد که مسکو از اهرم انرژی برای منافع استراتژیک و سیاسی خود مثلاً در جریان قطع گاز اوکراین و... استفاده کرد (Ermarth, 2006). اجرای برنامه اصلاحات ارتش (۲۰۰۸-۲۰۱۵)، منازعه ۲۰۰۸ گرجستان، نقش روسیه در موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بحران سیاسی اوکراین و الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه و ورود نظامی به بحران سوریه، برخی شواهد و قراین بیانگر بازگشت روسیه بودند؛ امری که باراک اوباما نیز در آخرین سخنرانی خود در سازمان ملل به‌نوعی به آن اذعان داشت: «در جهانی که عصر امپراتوری‌ها سپری شده است، می‌بینیم که روسیه



تلاش می‌کند شکوه ازدست‌رفته خود را از طریق ابزارهای قدرت نظامی احیا کند» (Remarks, 2016).

سبک خاص سیاست‌گذاری در روسیه باعث شده مطالعات بسیاری به‌منظور فهم دیدگاه روسیه برای اداره سیاست خارجی و جنگ صورت گیرد. در این میان پژوهش در حوزه فرهنگ استراتژیک، سهم بسزایی دارد؛ به‌گونه‌ای که افرادی مانند جرج کنان (George Kennan)، اسنایدر (Jack Snyder)، آدامسکی (Dmitry Adamsky)، انگسترام (Maria Engstrom)، فیکن (Isabelle Facon) و ایتلبر (Norbert Eitelhuber) تلاش‌های درخور توجهی در فهم فرهنگ استراتژیک شوروی و روسیه انجام داده‌اند. در بین اندیشمندان معاصر روسیه نیز، ولادیمیر لوکین و تامارا موسینکو مطالعاتی را در این حوزه انجام داده‌اند (Лукин & Мусиенко, 2016).

با عنایت به تلاش‌های صورت‌گرفته در شناخت فرهنگ استراتژیک روسیه و مؤلفه‌های آن، در این مقاله با هدف فهم تأثیر فرهنگ استراتژیک روسیه بر سیاست‌های تسلیحاتی این کشور، مؤلفه‌های پایدار و مؤثر فرهنگ استراتژیک روسیه در قالب چهار عنوان کلی درک روسیه از خود، برداشت درباره نظم جهانی، درک از تهدید و سبک خاص سیاست امنیتی این کشور به‌عنوان پیش‌ران‌های مؤثر بر سیاست خارجی و دفاعی-تسلیحاتی، بررسی می‌شود.

۱. درک روسیه از خود

روسیه خود را به‌عنوان دولت بزرگ، مسئول مأموریت ویژه در جهان می‌بیند که بازتابی از فرمان الهی است؛ نوعی عدالت و حقیقت والا. این درک از خود، ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و بر مباحث ایدئولوژیک، مذهبی و تاریخی بنا شده است؛ به‌ویژه روایات اساطیری روسیه، نقش مدافع و آزادی‌بخش برای کشور خود در برابر اروپا قائل‌اند که از حمله مغول‌ها آغاز شده است و ناپلئون بناپارت در قرن نوزدهم و در نهایت آزادی اروپا از چنگ هیتلر در طول جنگ جهانی دوم را شامل می‌شود. این نقش مسیحیایی توسط ایدئولوژی قوی پشتیبانی شده است (مسکو به‌عنوان رم سوم، روسیه به‌عنوان حامی و مدافع اسلاوها، شوروی به‌عنوان منبع و ابزار انقلاب سوسیالیستی جهان، جهان روسی). مسئله دیگر این است که ایده حمایت و سرپرستی همواره با ادعای حق مسلم روسیه درباره سرزمین‌هایی که از آنها دفاع می‌کند همراه بوده است. به‌طور خاص فیودور داستایفسکی، از بزرگ‌ترین نویسندگان کلاسیک روسی، ملت



روسیه را «مادر خدا» نامیده است که شهر مقدس قسطنطنیه باید به آن تعلق داشته باشد (Sinovets, 2016: 418). رد پای این نوع تفکر را می‌توان در سخنرانی پوتین دربارهٔ جدایی کریمه مشاهده کرد؛ جایی که وی جدایی کریمه از اوکراین را ضرورت تاریخی و حتی اخلاقی دانسته است: «در باطن مردم، کریمه همواره بخشی از روسیه بوده است. این ایده مبتنی بر حقیقت و عدالت است...» (Remarks 2014).

به بیان دیگر فرهنگ سیاسی و فرهنگ سیاست خارجی روسیه همواره برخی مؤلفه‌های آخرالزمانی دارد که حس مأموریت ملی و بین‌المللی فراتر از امنیت و رفاه کشور است. الکساندر زادوخین نیز بر این امر صحنه گذاشته و معتقد است سیاست خارجی روسیه در طول تاریخ و در وضع کنونی را نمی‌توان شناخت مگر با داشتن درک درستی از تحول تاریخی هویت ملی و آگاهی و تفکر ملی روس. این هویت نیز عمدتاً در مذهب ارتدکس، تربیت اسلاو و روابط با همسایگان تجلی یافته است (Задохин, 2002).

۲. برداشت روسیه دربارهٔ نظم جهانی

سیاست خارجی روسیه بر مفروضات سنتی و رئالیستی بنا شده و گاه سیاست واقع‌گرایانه نامیده می‌شود. تأکید بر حاصل جمع صفر برای نفوذ بین دولت‌ها به جای همکاری، تأکید بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و اهمیت تعیین‌کنندهٔ آن در سیاست خارجی، آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی روسیه و تعریف خود به‌عنوان قدرت بزرگ جهانی در مقابل غرب، استفاده از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های داخلی در شرایط افول اقتصادی و افزایش تهدیدات داخلی دولت، برخی مشخصات این رویکرد سیاست خارجی در روسیه‌اند (Smith, 2016)؛ رویکردی که مانکوف نیز معتقد است توسط مفاهیم نئورئالیستی ژئوپلیتیک و منافع ملی هدایت می‌شود (Mankoff, 2009).

از عناصر بنیادین جهان‌بینی روسیه در نگاه به جهان، روح رئالیسم سیاسی مطابق با احساس و درک مسکو است. براین اساس جهان ساختار خود را دارد و به زمینه‌های نفوذ روسیه و غرب تقسیم می‌شود. برآمده از طرز فکر جنگ سرد، منازعهٔ دائمی بین حریفان پذیرفته شده و این کشاکش باید تحت قوانین مشخصی که پس جنگ جهانی دوم و در چهارچوب قراردادهای پالتا و پتسدام طراحی شده است، اتفاق بیفتد. فرسایش نظام پالتا-پتسدام توسط آمریکا، به معنای تخریب این استحکام و گذار از منازعهٔ مبتنی بر

قوانین به منازعه بدون قانون بود. فهم این واقعیت، مقامات روسی را بیمناک می‌سازد؛ واقعیتی که ولادیمیر پوتین در جریان سخنرانی خود در انجمن والدای، آن را مهم‌ترین عامل رقابت بین دولت‌ها در چهارچوب قوانین و هنجارهای سیاسی، منطقی و اخلاقی معرفی و ادعا می‌کند این رقابت با بحران‌های شدید و ازهم‌گسیختگی دراماتیک همراه است (Valdai Speech, 2015). بدین ترتیب عرصه بین‌المللی از سوی روسیه، صحنه نبرد با بازی «حاصل جمع صفر» است که هر پیروزی غرب (مانند کوزوو، عراق یا لیبی)، شکست روسیه و برعکس هر پیروزی روسیه، شکست غرب است. بنابراین الحاق کریمه، به‌عنوان پیروزی روسیه تعبیر می‌شود. سرگئی گلایف، مشاور هم‌گرایی اقتصادی رئیس‌جمهور پوتین، مداخلات اروپا درباره اوکراین را نتیجه جنگ غرب بر ضد شرق می‌بیند که هدف آن شکست روسیه است: «نازیسم اوکراینی، دستاورد ساختگی ایدئولوژی ضدانسانی است که پیش‌تر در غرب برای اتصال دو قرن کاشته شده است.» در مجموع غرب (دقیق‌تر آمریکا) رقیب اصلی روسیه و به‌عنوان «شروری» که می‌کوشد مواضع مسکو در جهان را از بین ببرد معرفی می‌شود (Sinovets, 2016: 419).

جورج کنان بر تعبیر «قلعه تحت محاصره» لنین تأکید کرده و معتقد است مقامات شوروی تلاش می‌کنند «جهان بیرون را به‌عنوان متخاصم»ی معرفی کنند که در راستای حفظ «اقتدار دیکتاتوری در خانه» توسط مقامات قابل توضیح است (Kennan, 1947: 575)؛ موضوعی که تاکنون استمرار یافته است و در اسناد رسمی روسیه جدید نیز به‌وضوح دیده می‌شود. «استراتژی امنیت ملی» روسیه که در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ به دستور رئیس‌جمهور تصویب شد اشاره می‌کند: «موضع غرب، موجب ایجاد بستر تنش در فضای اروپا شده»، که در تضاد با منافع روسیه است (www.scrf.gov.ru). در همین سال پوتین در سخنرانی خود در والدای به‌صراحت اعلام می‌کند که هدف اصلی آمریکا، «تخریب موازنه استراتژیک و تغییر موازنه قدرت در جهتی است که نه‌تنها موجب سلطه می‌شود، بلکه باعث دیکته کردن خواسته‌های خود به دیگران است» (Valdai Speech, 2015).

بنابراین مشاهده می‌شود که «غرب» نقشی اساسی در تکوین هویت ملی روسیه از گذشته تا امروز داشته و دیالوگ تاریخی روسیه و غرب میان غرب‌گرایان و اسلاوگرایان، مبنای ساختاری تاریخی «ما-آنها» بوده و غرب به‌عنوان تهدید در طول تاریخ روسیه، عامل اساسی در هم‌بستگی ملی و انگیزه اتخاذ برخی روش‌های مشخص سیاست خارجی بوده است (Задохин, 2002).



۳. درک از تهدید

دولت و امپراتوری روسیه تقریباً از ابتدا در شرایط جنگی به وجود آمده و گسترش یافته و همواره با وضعیتی بین ترس از آسیب‌پذیری و اشتها برای دستیابی به امنیت و توسعه بیشتر در نوسان بوده است. لذا فرهنگ استراتژیک روسیه تا حد زیادی نظامی شده است (Ermarth, 2006: 4). این واقعیت که به لحاظ تاریخی روسیه بیشترین تهدیدات را از سمت غرب داشته (حمله لهستانی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها)، بر این اضطراب و هراس از اقدامات غرب دامن زده و تأثیرات عمیقی در رفتارهای سیاست خارجی این کشور بر جای گذاشته است. انحصار ارتش بر سخت‌افزار و جزئیات دکترین استراتژیک از گذشته دور (Snyder, 1977)، جایگاه ویژه تسلیحات اتمی در دکترین نظامی به‌عنوان منبع پرستیژ جهانی و درنهایت ضامن امنیت کشور و تنها عنصری که امروز دیدگاه روسیه را به‌عنوان «قدرت بزرگ» شکل می‌دهد (Oliker & Crane, 2009: 162)، از این تأثیرات است.

روس‌ها هنوز هم به مفاهیم ژئوپلیتیکی مکنیدر که اوراسیا را قلب زمین معرفی می‌کرد علاقه‌مندند. بنابراین مناطق حائل با همسایگان را به‌صورت جدی پیگیری می‌کنند و برای جلوگیری از حمله غرب، بر قدرت نظامی بزرگ تکیه دارند؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد، قدرت هسته‌ای این کشور رنگ تقدس به خود می‌گیرد و ابزاری در جهت نزدیکی به خدا و محافظت از کلیسای ارتدکس تعبیر می‌شود (Engstrom, 2014: 369).

۴. سبک خاص سیاست امنیتی روسیه

سبک خاص سیاست امنیتی روسیه، در واقع همان الگوهای رفتاری جامعه روسیه است که در مطالعه سیاست خارجی این کشور، باید به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرند. هویت روسی، سطح بالای تزویر و پنهان‌کاری، هم‌زمانی دو عنصر حقارت و برتری، حیلۀ جنگی به‌عنوان ابزار اصلی سبک سیاسی و نظامی مسکو و ماهیت پیروز استراتژی روسیه، از این الگوهای رفتاری‌اند، که به‌اختصار به آنها اشاره می‌شود:

هویت روسی: بی‌شک از محرک‌های اصلی تحول سیاست خارجی روسیه، پشتوانۀ عمیق هویتی بوده است. به بیان دیگر سیاست خارجی روسیه درصدد پاسخ به خواستۀ انسان روسی است که خواهان بازپس‌گیری شکوه و منزلت از دست‌رفته می‌باشد. در واقع راهبرد رئالیسم تهاجمی در سیاست خارجی روسیه، ریشه در هویت این کشور دارد و از حمایت غالب برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که ورود نظامی روسیه به بحران اوکراین و



سوریه، نه تنها مخالفت داخلی چشمگیری به همراه نداشت، بلکه برابر نظرسنجی مرکز مطالعات افکار عمومی روسیه (Russian Public Opinion Study Center (VTsIOM)، محبوبیت پوتین در اواخر اکتبر ۲۰۱۵ به ۸۹/۵ درصد افزایش یافت. همچنین روزنامه کامرسانت می‌نویسد: برابر نظرسنجی صورت گرفته پس از الحاق کریمه به روسیه، شمار شهروندان روسی که معتقدند روسیه قدرتی بزرگ است یا در آینده نزدیک به این منزلت دست خواهد یافت، به‌طور ناگهانی افزایش یافته است. نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند روسیه قدرتی بزرگ است (قبلاً این میزان ۱۰ درصد بود) و تعداد کسانی که معتقدند روسیه در ده تا پانزده سال آینده قدرتی بزرگ خواهد بود، از ۴۱ درصد به ۵۴ درصد افزایش یافته‌اند. شمار شهروندانی که در این چشم‌انداز تردید داشته‌اند، از ۳۹ درصد به ۱۸ درصد کاهش یافته است. نکته مهم اینکه ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که کلید نیل به «قدرت بزرگ»، نیروهای مسلح قدرتمند است (www.sputniknews.com)؛

سطح بالای تزویر و پنهان‌کاری: این ویژگی در استراتژی نظامی شوروی دیده می‌شود و اسنایدر و کنان نیز در آثار خود به آن توجه کرده‌اند. در واقع دست‌کاری اطلاعاتی از قدیمی‌ترین، قوی‌ترین و موفق‌ترین ابزارهای کرملین در سیاست داخلی و نیز سیاست خارجی است (Sinovets, 2016: 420). فرهنگ سیاست خارجی روسیه تا حد زیادی بازتابی از فرهنگ سیاسی روسیه است. رهبران روسیه در زمان لازم به‌طور کلی قادر به دیپلماسی سازش و حيله بوده‌اند؛ مانند آنچه در قرن نوزدهم در قالب سیاست‌مداری گونچارف انجام می‌شد و یا شیوه‌های مختلف تنش‌زدایی در قرن بیستم. اما همواره نگرشی اساسی وجود داشت که به بازیگران و دولت‌های خارجی به چشم دشمن، متحد یا متحد موقت دشمن یا احمق‌های مفیدی برای اداره نگرش کی / به چه کسی نگریسته می‌شد (7) (Ermarth, 2006)؛

هم‌زمانی دو عنصر حقارت و برتری: در مقام حرف و عمل، فرهنگ سیاست خارجی روسیه اغلب بیان ترکیبی گیج‌کننده از نگرش‌های متناقض است: از یک‌سو مجاورت و هم‌مرزی تدافعی به شکل جنون‌آمیز و از سوی دیگر جرئت مجاورت ستیزه‌جویانه. در ذهنیت و حافظه روسیه، هر دو عنصر حقارت و برتری می‌توانند به‌طور هم‌زمان روی صفحه به نمایش درآیند. آثار تلخ فروپاشی شوروی و کاهش نقش روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ، این دو مجموعه حقارت و برتری را به‌ویژه در بین نخبگان امنیت ملی روسیه تشدید کرده است. بهبود جزئی جایگاه بین‌المللی روسیه در دوران پوتین، آن



را بیشتر تنظیم کرد و در نتیجه درآمدهای انرژی و روش سرمایه‌گذاری بهتر، این دو مجموعه را در اظهارات رهبران و اندیشمندان تشدید کرد (Ermarth, 2006: 6)؛

حیله جنگی به‌عنوان ابزار اصلی سبک سیاسی و نظامی مسکو: حیله جنگی، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتش روسیه از سال‌ها قبل تبدیل، و بارها توسط سوواروف در جنگ شمال یا در طول جنگ‌های ناپلئون تجربه شده است. سوواروف در تمجید از ژنرال کوتوزوف گفت او بسیار باهوش و حیله‌گر بود که حتی در یباس نمی‌توانست او را بفریزد. حیله جنگی، سیاست روسیه را به اندازه‌ای انعطاف‌پذیر می‌سازد که از مواجهه مستقیم جلوگیری کند. کنان معتقد است که رهبران شوروی «هیچ‌گونه پشیمانی درباره عقب‌نشینی در برابر نیروی برتر ندارند»؛ البته تا زمانی که وجهه و اعتبار آنها را تهدید نکند. برابر اظهارات اسنایدر، «استراتژی شوروی به بی‌پروایی شهرت دارد، اما این استراتژی به حداقل رساندن تهدیدات است»؛ خصوصیتی که همچنان زنده است و برای مثال، در جریان منازعه روسیه و ترکیه بر سر انهدام هواپیمای روسی در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۵ دیده می‌شود. پوتین ترجیح داد تحریم‌های اقتصادی اعمال کند تا اینکه وارد رویارویی نظامی با یکی از اعضای ناتو شود. از سوی دیگر، توانایی عقب‌نشینی در برخی موارد به این معنا نیست که مسکو آماده رها کردن طرح‌های خود است، بلکه تنها تغییر در ابزار یا مسیر رسیدن به آنهاست. روسیه امروز نیز تلاش می‌کند کشورهای حایل را با هر ابزاری، از ابزار انرژی گرفته تا فعالیت‌های جنگ هیبریدی، حفظ کند؛

ماهیت پیروز استراتژی روسیه: این خصوصیت نتیجه ویژگی‌های ذکر شده در بالاست که چیزهایی را به تصویر روسیه مدرن اضافه می‌کند. بیشتر استراتژیست‌های نظامی و مقامات شوروی (از مالینفسکی گرفته تا سوکولوفسکی) همیشه بر لزوم شکست قاطعانه متجاوز اگر جنگ به واقعیت تبدیل شود تأکید کرده‌اند. آدامسکی بر این عقیده است که جنگ نسل جدید روسیه متفاوت با جنگ هیبریدی است، فقط به دلیل این واقعیت که بسیار پیروزی‌گراست. اما جنگ، ابزار بی‌ثبات‌سازی نیست. در این معنا هرگونه خسارت انسانی برای روسیه مهم نیست. در طول جنگ جهانی دوم تلفات شوروی تقریباً ده‌برابر آلمان بود، و در این مفهوم داستان ژوکوف که چگونه نیروهای شوروی میدان‌های مین را مین‌روبی می‌کردند، به‌خوبی این وضعیت را حکایت می‌کند: «در ابتدا شوروی پیاده‌نظام را به قیمت جان آنها به مین‌روبی فرستاد، سپس از سربازان تخریب‌چی استفاده شد و در نهایت تجهیزات گران‌قیمت نظامی ظاهر

شدند.» حساس نبودن روسیه به تحریم‌ها، تجسم این وضعیت در شرایط کنونی است؛ به‌گونه‌ای که مردم روسیه آماده‌اند برای شکوه دولت خود، قربانی شوند. نمونه اخیر آن، الحاق کریمه است که موجب تحریم‌های اقتصادی عمده‌ای شد، اما از سوی ۸۷ درصد مردم حمایت شد (Sinovets, 2016: 420).

سیاست تسلیحاتی روسیه و تعاملات تسلیحاتی با کشورهای غرب آسیا

فروپاشی شوروی تا حدود یک دهه منطقه غرب آسیا را از دستور کار سیاست خارجی روسیه خارج کرد و به حاشیه راند. این وضعیت معلول دلایل عینی و ایدئولوژیک بود. بحران‌های اقتصادی دهه ۹۰، آشفتگی سیاسی، سیاست‌های خصوصی‌سازی کوتاه‌بینانه دولت یلتسین، قدرت گرفتن گروه‌های مافیایی در عرصه اقتصاد کشور و از دست دادن بنادر اودسا و ایلچفسک در دریای سیاه به‌عنوان دروازه‌های صادراتی به منطقه غرب آسیا و تفکرات غرب‌گرایانه یلتسین، از دلایلی بودند که صادرات انواع کالا و در رأس آن تسلیحات نظامی به منطقه را تقریباً متوقف کرد.

اوایل دهه ۲۰۰۰ و با روی کار آمدن پوتین، محورهای چهارگانه چشم‌انداز بین‌المللی روسیه یعنی احیای قدرت در سطح جهانی (Great power)، قدرت هنجارمند، تأکید بر چندجانبه‌گرایی، و حفظ منطقه منافع ممتاز خود، به‌صورت جدی در دستور کار و بار دیگر منطقه غرب آسیا مورد توجه دستگاه سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. در ترسیم محورهای چشم‌انداز بین‌المللی هر کشور، مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک نقش اساسی ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها که به یک معنا عصاره تمایل و خواست افکار عمومی و نخبگان به‌عنوان حاملان فرهنگ استراتژیک‌اند، به‌عنوان پیش‌ران‌های اصلی سیاست خارجی و امنیتی کشور عمل می‌کنند و این سیاست‌ها را شکل می‌دهند.

براین اساس سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه غرب آسیا تابعی از سیاست خارجی این کشور در منطقه است. پرواضح است عوامل و شرایط مکانی و زمانی در پیگیری محورهای چشم‌انداز در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه مؤثر بوده‌اند. لذا تغییرات در نگاه روسیه به منطقه غرب آسیا را می‌توان ناشی از تغییرات این عوامل و شرایط قلمداد کرد؛ تغییراتی که آشکارا در سند جدید سیاست خارجی روسیه که در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ به تصویب ولادیمیر پوتین رسید، قابل مشاهده است. این سند به‌عنوان یکی از اسناد مهم و بالادستی در حوزه سیاست خارجی روسیه است که جهات، اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی این کشور را ترسیم می‌کند. در این سند در چندین بند به حوادث، کشورها یا کلیت منطقه غرب آسیا اشاره شده است که در اغلب



موارد نوعی تقابل با غرب و به‌طور خاص امریکا دیده می‌شود. همچنین از لحاظ اولویت موضوع، منطقه غرب آسیا بالاتر از کشورهای افریقایی، امریکای لاتین و حوزه کارائیب و حتی افغانستان قرار گرفته است (حاجی‌یوسفی و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۸۵). در بند ۱۴ این سند، تروریسم بین‌المللی به‌ویژه در منطقه غرب آسیا محصول دخالت‌های خارجی معرفی می‌شود. همچنین در بند ۳۳، مبارزه با سازمان‌های تروریستی از طرق مختلف به‌ویژه نیروهای نظامی را منوط به موافقت و درخواست دولت درگیر با تروریسم، از اولویت‌های خود برمی‌شمارد. بند ۹۲ این سند بیان می‌کند: «روسیه همچنان سهم درخور توجهی را در تثبیت اوضاع در منطقه غرب آسیا و شمال افریقا ادا می‌کند، از تلاش‌های جمعی در جهت خنثی کردن تهدیدهای ناشی از گروه‌های تروریستی بین‌المللی حمایت خواهد کرد و سیاست پیگیری را برای حل و فصل سیاسی مناقشات دولت‌های این منطقه براساس احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی آنها، حق تعیین سرنوشت آنها و بدون مداخلات خارجی دنبال خواهد کرد.» بند ۹۴ و ۹۵ نیز عزم روسیه برای توسعه همکاری با کشورهای منطقه غرب آسیا به‌صورت عام و ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس در چهارچوب انجمن همکاری‌های روسی-عربی اعلام می‌دارد (Russian Foreign Policy Concept, 2016).

سه ویژگی اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا و جایگاه آن در سیاست قدرت‌های بزرگ، منازعه‌خیز بودن منطقه و نیاز تسلیحاتی ناشی از آن و وجود ذخایر بزرگ انرژی در منطقه و قدرت خرید کشورهای دارنده منابع انرژی، کشورهای منطقه غرب آسیا به‌ویژه کشورهای ثروتمند منطقه را هدف بازار صادرات تسلیحاتی روسیه قرار داده است. در مجموع از تجزیه و تحلیل اسناد دولتی و اظهارات مقامات عالی‌رتبه سیاسی و نظامی-امنیتی روسیه می‌توان سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه غرب آسیا را در محورهای زیر خلاصه کرد: پشتیبانی از سیاست خارجی روسیه و به‌ویژه ایفای نقش جهانی و پیشبرد معادلات منطقه‌ای به‌گونه‌ای که منافع روسیه به رسمیت شناخته شود (به‌عنوان مثال ورود نظامی روسیه و پشتیبانی تسلیحاتی روسیه از دولت قانونی سوریه، از عوامل مؤثر در تغییر معادلات حاکم بر عرصه نبرد و در نتیجه عرصه سیاسی بود)؛

توسعه نفوذ سیاسی از طریق ایجاد وابستگی تسلیحاتی با ارائه تجهیزات باکیفیت و فناوری بالا و قیمت رقابتی در برابر نمونه‌های غربی؛ باتوجه به این مهم که خرید تسلیحات پیشرفته و با فناوری بالا نیازمند پشتیبانی آموزشی و فنی-تعمیراتی طولانی‌مدت توسط کشور فروشنده است؛

بهره بردن از منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات نظامی به کشورهای ثروتمند منطقه غرب آسیا به عنوان یکی از پرسودترین بازارهای تسلیحاتی جهان؛ بازیابی جایگاه روسیه به عنوان یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان بازار صادرات تسلیحات نظامی؛

پشتیبانی از دیگر سیاست‌های روسیه در منطقه از جمله مبارزه با تروریسم بین‌المللی از طریق مساعدت تسلیحاتی کشورهای درگیر با تروریسم در منطقه غرب آسیا نظیر عراق و سوریه؛

رونق یافتن صنایع دفاعی و نظامی کشور با دستیابی به سهم بیشتر از بازار تجهیزاتی منطقه غرب آسیا و در نتیجه نوسازی و به‌روز کردن این صنایع و کمک به سیاست‌های اشتغال‌زایی کشور از این طریق.

برگرفته از فرهنگ استراتژیک روسیه، سیاست تسلیحاتی این کشور به‌منظور نیل به محورهای پیش‌گفته، بر دو اصل تقویت توان تسلیحاتی این کشور در داخل و توجه به بازارهای صادرات تسلیحاتی از جمله بازار تسلیحاتی کشورهای منطقه غرب آسیا متمرکز شده است.

۱. تقویت توان تسلیحاتی در داخل

با فروپاشی شوروی و در نتیجه افول قدرت از سطح جهانی به سطح منطقه‌ای، آشوب‌های سیاسی دهه ۹۰ میلادی و سیاست‌های غلط خصوصی‌سازی در مجتمع‌های صنایع نظامی و برخی عوامل دیگر، موجب از دست رفتن موفقیت ابرقدرت تأمین سلاح و شهرت تأمین‌کننده قابل اعتماد در بازار جهانی تجهیزات نظامی شد. در حالی که قدرت نظامی و تسلیحات هسته‌ای در کنار حق و تو میراث‌های بازمانده از دوران شوروی، به‌عنوان مؤلفه‌های مهم فرهنگ استراتژیک روسیه نقش مهمی در وضعیت و جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل ایفا می‌کنند، منبع پرستیژ جهانی، ضامن امنیت (Oliker & Crane, 2009: 162) و تنها عنصری‌اند که از ایده «قدرت بزرگ» روسیه پشتیبانی می‌کنند.

ارتش شوروی با وجود سه تا چهار میلیون نفر، بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان بود که پس از فروپاشی، با ریزش‌هایی در اختیار روسیه قرار گرفت. هرچند این ارتش برای مقابله با ناتو آموزش دیده بود و از لحاظ تجهیزاتی در وضعیت بسیار بدی به سر می‌برد، مسئولان سیاسی و نظامی این کشور با درک تهدیدات جدید و با هدف حصول چشم‌انداز مورد اشاره در قسمت قبل، برنامه اصلاحات در ارتش را از سال ۲۰۰۸ در دستور کار قرار دادند. پنج سال پس از اجرای برنامه اصلاحات در نیروهای مسلح،



در حالی که کل هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱/۵۳۸ تریلیون دلار بود، روسیه با بودجه نظامی ۶۸/۲ میلیارد دلار بعد از آمریکا و چین، بیشترین هزینه نظامی را داشت. این در حالی است که با وجود مشکلات مالی، بودجه ۷۷۰ میلیارد دلاری برای برنامه تجدید تسلیحات دفاعی در نظر گرفته شده و بیشترین سهم به ارتقای زرادخانه هسته‌ای روسیه اختصاص یافته است (McNabb, 2016: 95).

عملکرد ارتش در جریان مناقشه ۲۰۰۸ گرجستان، بسیار ناامیدکننده بود و سطح آمادگی رزمی ارتش در مجموع به ۱۳ درصد رسید. از سال ۲۰۰۸ برنامه اصلاحات ارتش در سه مرحله کلید خورد: مرحله اول از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ عمدتاً کاهش استعداد ارتش، بهینه‌سازی در سامانه فرماندهی و سامانه آموزشی ارتش را شامل می‌شد؛ مرحله دوم از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بر حل مشکلات اجتماعی ارتش، افزایش بودجه، تأمین مسکن و ارتقای سطح آمادگی نظامیان متمرکز بود؛ مرحله سوم از سال ۲۰۱۶ آغاز شد و تا سال ۲۰۲۰ ادامه خواهد داشت. نیکولای ماکاروف، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح روسیه در سال ۲۰۰۸، در جمع خبرنگاران ضمن تشریح برنامه اصلاحات گفت یک سوم سلاح و تجهیزات ارتش طی سه تا پنج سال آینده به‌روزرسانی خواهد شد و تا سال ۲۰۲۰ این میزان به صد درصد خواهد رسید (www.wikipedia.com).

اختصاص ۴/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) به هزینه‌های دفاعی (Selim Ozertem, 2015: 9)، بهبود تسلیحات و به‌کارگیری فناوری روز در ارتش و ارتقای آمادگی رزمی در نیروی هوای و موشکی، نشان اهمیت این مؤلفه از فرهنگ استراتژیک و عزم جدی مسئولان در اجرای این برنامه است. اهتمام به احیای نقش تأمین‌کننده قابل اعتماد در بازار تسلیحات جهانی و سامان‌دهی ساختارهای داخلی در امر تولید و صادرات تجهیزات و تسلیحات نظامی، موضوع دیگری بود که در این راستا مورد توجه قرار گرفت. اولین گام ادغام شرکت‌های فعال در حوزه فروش تسلیحات و ارائه خدمات نظامی و تأسیس شرکت «روس آبارون اکسپورت» (Рособоронэкспорт) (Rosoboronexport) در سال ۲۰۰۰ بود که اکنون تنها مرجع تحویل تجهیزات نظامی به بازار جهانی است و ردیابی روندهای توسعه بازار جهانی سلاح روسیه، پیاده‌سازی سیاست بازاریابی برای گسترش جغرافیای صادرات، فهرست محموله‌های نظامی و دامنظوره، توسعه برنامه هدفمند ارتقای تجهیزات نظامی کشورهای مشخص و ارائه پیشنهاد برای مشتریان مشخص را برعهده دارد. این شرکت حداقل به هفتاد کشور جهان به‌صورت دائمی صادرات دارد و در مدت پانزده سال فعالیت خود، به ۱۱۶ کشور جهان ۱۱۵ میلیارد دلار تجهیزات تحویل داده است. در حالی که قبلاً تمرکز صادرات

تسلیمات بر کشورهای اروپای شرقی، هند و چین بود، با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، جغرافیای صادرات تغییر کرد و منطقه آسیا و اقیانوسیه ۴۲ درصد، غرب آسیا و شمال

آفریقا ۳۶ درصد، امریکای لاتین و خارج نزدیک هریک تقریباً ۹ درصد و مابقی مناطق ۴ درصد از بازار تسلیماتی این کشور را تشکیل می‌دهند (www.politrussia.com). نکته درخور توجه، تغییر شتابان در الگوی فروش تسلیمات است که ریشه در سیاست‌های جدید تسلیماتی دارد. در روسیه جدید مانند زمان شوروی صرفاً حفظ توازن قدرت در رأس سیاست‌های تسلیماتی قرار ندارد، بلکه سیاست تسلیماتی جدید برگرفته از آموزه‌های فرهنگ استراتژیک این کشور (مؤلفه احیای منزلت قدرت بزرگ و تأکید بر چندجانبه‌گرایی)، علاوه بر پیگیری اهداف سیاسی و افزایش نفوذ در مناطق خاص، به‌عنوان ابزاری در تثبیت قدرت جهانی روسیه و تغییر معادلات جاری عمل می‌کند. منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیمات نیز بخش مهمی از این سیاست‌ها را تشکیل می‌دهد. درآمد متوسط روسیه از فروش سلاح از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ سالانه ۱۴/۵ میلیارد دلار بوده است (www.expert.ru). در هشت‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ نیز روسیه ۸ میلیارد دلار تسلیمات و تجهیزات نظامی فروخت و برای سال‌های آتی ۵۰ میلیارد دلار سفارش دارد (www.gazeta.ru).

این آمارها به‌خوبی نشانگر اهمیت اقتصادی صادرات تسلیمات برای این کشور است و باتوجه‌به تمرکز بازار صادراتی روسیه بر فروش کالاهای با فناوری بالا در درجه نخست جنگنده‌های نسل ۴+ و ۴++، سامانه‌های دفاع ضدهوایی (کلاب، اس.۳۰۰ و...) و موشک‌های ضدکشتی با قدرت بالا، بازیابی جایگاه گذشته و افزایش منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیمات دور از انتظار نیست. اهمیت صنایع دفاعی از لحاظ اجتماعی را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت: امروزه حدود ۲/۵ تا ۳ درصد از نیروی کار روسیه در این بخش مشغول کارند (Connolly & Sendstad, 2017).

۲. توجه به بازارهای صادرات تسلیمات

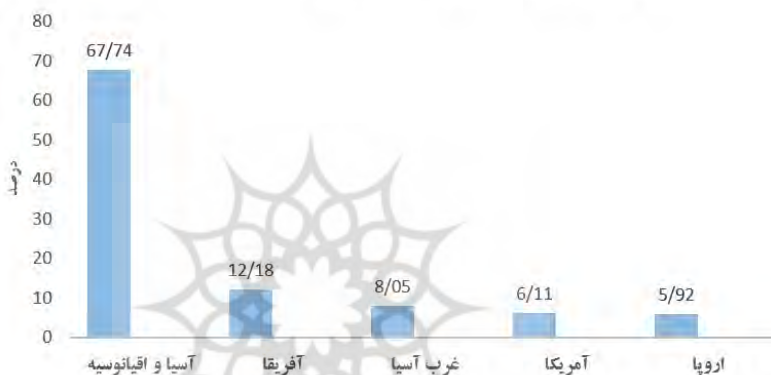
همان‌طور که اشاره شد، تغییر الگوی صادرات تسلیمات و ترسیم جغرافیای صادرات تسلیماتی جدید، از رؤس سیاست‌های تسلیماتی بود که در جهت اجرای دکترین چندجانبه‌گرایی و پیگیری قدرت جهانی روسیه، از ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی اجرایی شد. باین‌حال نقش برخی عوامل و شرایط محیطی در تسریع این روند مؤثر بوده است. رخداد جریان موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱، نقطه عطفی در سیاست خارجی و به تبع آن سیاست تسلیماتی روسیه در منطقه غرب آسیا بود و موجب شد توسعه



روابط با کشورهای این منطقه در دستور کار جدی دستگاه سیاست خارجی این کشور قرار گیرد؛ به گونه‌ای که حجم قراردادهای تسلیحاتی در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ افزایش چشمگیری داشته است. هرچند آمار مختلفی از میزان صادرات تسلیحات روسی به منطقه غرب آسیا منتشر و سهم ۳۷،۵-۸،۲ درصدی (۱/۲ تا ۵/۵ میلیارد دلار) برآورد شده است، بی‌تردید روسیه بعد از آمریکا با سهم حدود ۴۰ درصد از بازار تسلیحات منطقه، دومین تأمین‌کننده بزرگ سلاح در منطقه بوده و به نظر می‌رسد در آینده نه‌چندان دور این سهم به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

سهم صادرات تسلیحاتی روسیه بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۶ به مناطق مختلف جهان

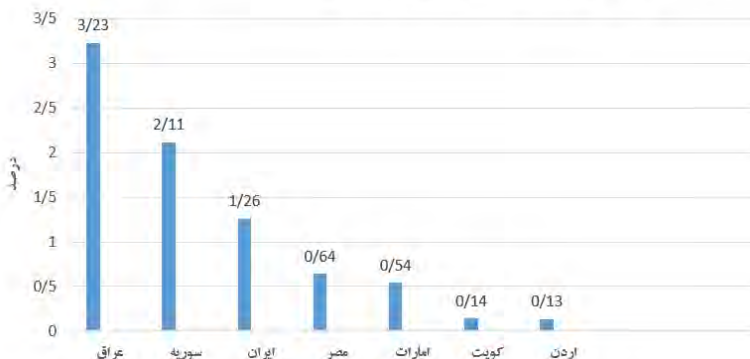
منبع: SIPRI Arms Transfers Database (20 Feb 2017)



مطالعه روندهای موجود بیانگر آن است که روسیه در حوزه تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، به ترتیب سه سیاست را پیگیری خواهد کرد: حفظ و توسعه همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی موجود؛ احیای بازارهای تسلیحاتی سنتی شوروی سابق؛ ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی در این منطقه:

سهم صادرات تسلیحاتی روسیه بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۶ به کشورهای منطقه غرب آسیا

منبع: SIPRI Arms Transfers Database (20 Feb 2017)



حفظ و توسعه همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی موجود: کشورهای الجزایر (با سهم ۹/۱ درصد از صادرات)، ایران (۲ درصد)، سوریه (۱/۴ درصد) و یمن (۱/۲ درصد)^۱ در حال حاضر بزرگ‌ترین مشتریان تجهیزات روسی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا هستند (Connolly & Sendstad, 2017)؛ هرچند با بروز درگیری‌ها در سوریه، حجم قراردادهای و تحویل تسلیحات نظامی به این کشور به طرز درخور توجهی افزایش یافته است. سیاست تسلیحاتی روسیه در قبال این کشورها حفظ و توسعه همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی از جمله در حوزه تحویل تسلیحات جدید نظامی، بهینه‌سازی تجهیزات موجود و ارائه خدمات آموزشی است که باتوجه به چشم‌انداز موجود و تداوم درگیری‌ها در منطقه، توسعه همکاری‌ها در این عرصه با این گروه از کشورها کاملاً متصور است. مورد خاص در بین این کشورها، ایران است؛ کشوری که قصد دارد خود را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای معرفی کند، اما از سال ۲۰۰۷ تحت شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی قرار گرفته است. پس از توافق جامع هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ و گشایش‌های ایجادشده، که در این بین روسیه نیز نقش مهمی ایفا کرد، ایران پس از سال‌ها انزوا و دوری از بازار تسلیحاتی، علاقه‌مند به ارتقا و نوسازی تسلیحات خود است.

تحلیلگران بر این باورند که ایران در بلندمدت باید چهل میلیارد دلار برای این منظور هزینه کند و باتوجه به شرایط موجود، بازار تسلیحاتی روسیه محل رجوع این کشور خواهد بود (www.alaraby.co.uk). هرچند تا سال ۲۰۲۰ همچنان محدودیت‌هایی برای تحویل تسلیحات عمده به ایران باقی خواهد ماند، باتوجه به زمان سه تا چهارساله در انعقاد قرارداد تا تحویل تسلیحات عمده، پیش‌بینی می‌شود روس‌ها با لحاظ سیاست‌های کلان خود در قبال منطقه غرب آسیا، از هم‌اکنون مذاکراتی را برای فروش برخی اقلام تسلیحاتی به ایران شروع کنند. بدیهی است باتوجه به چشم‌انداز ایفای نقش جهانی و تلاش روسیه برای مدیریت نیروهای متضاد حاضر در صحنه غرب آسیا (برای مثال خصومت ایران با رژیم صهیونیستی، عربستان و برخی کشورهای عربی منطقه)، طرف روسی همچنان محدودیت‌هایی را برای صدور تسلیحات پیشرفته و با فناوری بالا به ایران لحاظ خواهد کرد؛

احیای بازارهای تسلیحاتی سنتی شوروی سابق: عراق، مصر و لیبی بزرگ‌ترین بازارهای سنتی تسلیحات روسی‌اند که روس‌ها درصدد احیای بازار این کشورها

۱. آمار ارائه‌شده از مجموع سهم ۱۷/۸ درصدی مجموع صادرات تسلیحاتی روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا محاسبه شده است.

هستند. در حالی که در سال‌های اخیر شرکت‌های تسلیحاتی غربی بر بازارهای عراق و مصر مسلط شده بودند، روس‌ها بار دیگر در حال بازگشت به بازار این کشورها هستند. تعلل و احتیاط تأمین‌کنندگان غربی در تحویل تجهیزات نظامی در شرایطی که عراق درگیر مبارزه با گروه تروریستی داعش بود، فضایی را ایجاد کرد که تأمین‌کنندگان روس توانستند در چهارچوب چشم‌انداز بین‌المللی خود بار دیگر جایگاه خود را در بازار تسلیحاتی این کشور احیا کنند. در سال‌های اخیر روس‌ها به تحویل بالگردهای رزمی و سامانه‌های پدافندی به ارتش عراق پرداختند و در سال ۲۰۱۶ قرارداد فروش جنگنده‌های سوخو ۲۵ را با این کشور منعقد کردند.

در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ که تأمین‌کنندگان غربی با هدف فشار به قاهره به دلیل سرکوب تظاهرات مردمی در این کشور، تحویل تسلیحات نظامی به این کشور را متوقف کردند، شرکت‌های روسی از خلأ به‌وجودآمده استفاده کردند و وارد بازار این کشور شدند؛ هرچند تمایل مصر برای تقویت روابط با مسکو به‌عنوان ضامن ثبات رژیم، به‌روزرسانی تجهیزات نظامی خود، تنوع‌بخشی به تجهیزات خود در پاسخ به اقدام شرکت‌های غربی و پشتیبانی مالی عربستان و امارات نیز در موفقیت تأمین‌کنندگان روس مؤثر بود. در سال ۲۰۱۵ روسیه قراردادی را برای فروش جنگنده‌های میگ ۲۹ ام. ۲، بالگردهای تهاجمی می. ۳۵ ام، سامانه ضد هوایی اس. ۳۰۰ و سامانه موشکی ساحلی باستیون به مصر به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار امضا کرد. در سال ۲۰۱۶ نیز قراردادی بین قاهره و شرکت ایرکوت روسیه برای تحویل دوازده فروند جنگنده مدرنیزه‌شده سو. ۳۰ کا منعقد شد (www.expert.ru)؛

ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی: بحث‌برانگیزترین سیاست تسلیحاتی روسیه در منطقه، تسخیر بازارهای تسلیحاتی غربی در سال‌های اخیر بوده است. رقابت و تقابل با غرب در صفحه شطرنج منطقه غرب آسیا، تلاش در جهت ارتقای قدرت جهانی روسیه و ایفای نقش جهانی در تحولات منطقه غرب آسیا، انتفاع از بازار پرسود تسلیحاتی این منطقه و نفوذ سیاسی در این گروه از کشورها برآمده از فرهنگ استراتژیک این کشور، انگیزه پشت‌پرده بازاریابی و به‌عبارتی بازاریابی شرکت‌های روسیه در بین کشورهایی است که مشتریان سنتی کشورهای غربی به‌شمار می‌روند. در این میان می‌توان به قراردادهای نظامی و تسلیحاتی روسیه با ترکیه و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس که از مشتریان سنتی شرکت‌های تسلیحاتی غربی هستند اشاره کرد. ورود روسیه به بازار تسلیحاتی این کشورها علاوه بر پیگیری

نفوذ سیاسی، منافع اقتصادی را نیز دنبال می‌کند. در مقابل، این گروه کشورها عمدتاً با هدف ایجاد روابط سیاسی جدید با روسیه، متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان تسلیحاتی خود و اعمال فشار بر شرکت‌های غربی برای تحویل تسلیحات مورد انتظار، اقدام به برقراری روابط نظامی و تسلیحاتی با روسیه کرده‌اند. آزمون موفق تسلیحات روسی در میدان نبرد روسیه، عامل مهم دیگری بود که این گروه کشورها را به کیفیت و قابلیت رقابت‌پذیری تسلیحات روسی مطمئن ساخت. گفتنی است ارتش روسیه بیش از ۶۰۰ نوع تسلیحات و تجهیزات جدید را در میدان نبرد سوریه آزمایش کرد و بنا به ادعای مسئولان نظامی این کشور، در نتیجه عملکرد مثبت تجهیزات و تسلیحات به‌کارگرفته‌شده، تقاضا برای سفارش تجهیزات روسی از جمله در مورد جنگنده‌های سوخو.۳۴ افزایش چشمگیری داشته است (www.tvzvezda.ru).

اگرچه همکاری‌های نظامی روسیه و ترکیه از سال ۱۹۹۲ آغاز شده و قرارداد همکاری‌های فنی و نظامی در سال ۱۹۹۴ به امضای سلیمان دمیرل و بوریس یتسین رسید و از سال ۱۹۹۳ شرکت روس آبارون اکسپورت^۱ در نمایشگاه دوسالانه صنایع دفاعی استانبول شرکت می‌کند و حتی دفتر رسمی شرکت دولتی «روس تک» به‌عنوان نماینده روس آبارون اکسپورت در این کشور فعالیت می‌کند (www.roe.ru). در طول این سال‌ها خرید تسلیحات عمده و راهبردی در کارنامه همکاری‌های دوجانبه ثبت نشده بود. در شرایطی که ترکیه بعد از عربستان و امارات رتبه سوم در حجم قراردادهای تسلیحاتی منعقد با آمریکا را دارد و این کشور از اعضای قدیمی پیمان ناتو است، انتشار خبر خرید سامانه پدافند هوایی اس.۴۰۰، کارشناسان نظامی را مبهوت کرد. ۲۴ جولای ۲۰۱۷ شبکه «خبر ۷» (Habar7) ترکیه به نقل از اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور، از امضای قریب‌الوقوع قرارداد نهایی سامانه اس.۴۰۰ و تولید مشترک این سامانه در ترکیه خبر داد (www.tass.ru). هرچند مبلغ قرارداد دقیقاً مشخص نیست، گفته می‌شود مسکو به ازای هر واحد سامانه پانصد میلیون دلار درخواست کرده که باتوجه به علاقه‌مندی ترکیه برای خرید ۴ واحد، مبلغ قرارداد معادل دومیلیارد دلار خواهد بود (www.al-monitor.com). نوری علی بول با اشاره به موافقت ترکیه و روسیه در خصوص خرید دو آتش‌بار سامانه اس.۴۰۰ به همراه ۲۴۰ فروند موشک و رادارهای ردیابی و جست‌وجو، مبلغ این قرارداد را بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار عنوان کرده است (www.jamestown.org).

۱. قبل از تأسیس شرکت روس آبارون اکسپورت، شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ در این نمایشگاه شرکت می‌کردند.



فارغ از مبلغ قرارداد که درخور توجه است، الحاق سامانه روسی اس.۴۰۰ به سامانه دفاع موشکی ناتو، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. با وجود آنکه به لحاظ فنی قانونی در ناتو وجود ندارد که مانع ترکیه شود، احتمال دسترسی روس‌ها به اطلاعات ارزشمند و قابلیت‌های حیاتی ناتو متصور است (www.aljazeera.com).

توجه روسیه به بازار تسلیحاتی کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس، علاوه بر پیگیری اهداف سیاسی، جنبه اقتصادی قابل توجه دارد. برابر اعلام مؤسسه سپیری (مؤسسه بین‌المللی تحقیقات مسائل جهانی استکهلم)، بزرگ‌ترین مشتریان تسلیحات امریکایی به ترتیب عربستان (۹/۷ درصد)، امارات (۹/۱ درصد) و ترکیه (۶/۶ درصد) هستند (www.rusvesna.su). در بین این کشورها روابط نظامی روسیه با کویت، امارات و بحرین از چند سال قبل آغاز شده و قرارداد با عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات نظامی در منطقه و بزرگ‌ترین مشتری شرکت‌های غربی، در حال برنامه‌ریزی است.

هرچند روسیه و امارات همچنان اختلافاتی درباره سوریه دارند، امارات خواهان مساعدت روسیه برای خروج عربستان از یمن و روسیه از طریق امارات به دنبال صلح در یمن است. تراز بازرگانی روسیه و امارات ۲/۵ میلیارد دلار و حجم سرمایه‌گذاری متقابل معادل هجده میلیارد دلار است (www.inosmi.ru). مهم‌ترین قرارداد امارات با تأمین‌کنندگان روسی، تحویل سامانه دفاع هوایی پانتسیر به ارزش هشتصد میلیون دلار است (Klein, 2012: 6)؛ اما روابط دو کشور به اینجا ختم نشده و شرکت روس آبارون اکسپورت در حال مذاکره برای تولید مشترک محصولات نظامی با این کشور است؛ به طوری که وزیر صنایع و تجارت روسیه در حاشیه نمایشگاه محصولات دفاعی IDEX2015 امارات از تولید مشترک توپخانه مدل «A-220M57mm» خبر داد (www.mirprognozov.ru).

کویت و بحرین نیز به‌عنوان دیگر مشتری سنتی شرکت‌های تسلیحاتی امریکایی، انگلیسی و فرانسوی، برخی اقلام تسلیحاتی خود را از طریق شرکت‌های روسی تأمین کرده‌اند. برای مثال، بحرین در سال ۲۰۱۴، ۲۵۰ فروند موشک ضدتانک (14Kornet/ AT-133M9) به شرکت‌های روسی سفارش داد.

دستیابی به بازار تسلیحاتی عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین سفارش‌دهنده تجهیزات نظامی در منطقه، همواره به‌عنوان بازاری پرسود، مد نظر شرکت‌های روسی بوده و تلاش‌هایی نیز در سال‌های اخیر در این خصوص صورت گرفته است. سفر اخیر ملک

سلمان در پنجم اکتبر سال جاری به مسکو، سرآغاز همکاری‌های نظامی روسیه با عربستان شمرده می‌شود. برابر اعلام خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، در این سفر دو طرف درباره خرید ۴ گردان از سامانه پدافند موشکی اس.۴۰۰ از روسیه به توافق رسیدند (خبرگزاری اسپوتنیک). علاوه بر دلایل ذکر شده، ترس از توان موشکی ایران و کیفیت بالای سامانه‌های پدافندی روسیه، می‌تواند از انگیزه‌های طرف سعودی برای انعقاد این قرارداد باشد (www.Alkawthartv.com) که مبلغ تقریبی آن حدود دومیلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک روسیه با سیاست تسلیحاتی آن در منطقه همان‌طور که در مباحث قبلی این مقاله نیز اشاره شد مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک روسیه به صورت غیرمستقیم به‌مثابه پیش‌ران‌های مؤثر بر سیاست تسلیحاتی این کشور در منطقه غرب آسیا عمل می‌کنند. مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک برآمده از منابع فرهنگ استراتژیک روسیه شامل منابع مادی (جغرافیا، آب و هوا، منابع طبیعی و...)، منابع سیاسی (تجربه تاریخی، نظام سیاسی، باورهای نخبگان، سازمان‌های نظامی و...) و منابع اجتماعی-فرهنگی (اسطوره‌ها، نمادها و...) موجب شکل‌گیری چشم‌انداز بین‌المللی این کشور می‌شوند. مکانیزم تأثیرگذاری این پیش‌ران‌ها بر سیاست خارجی و به تبع آن سیاست دفاعی و تسلیحاتی روسیه پیچیده، انتزاعی و گاه بینادهنی است، اما در شکل ساده‌شده، مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک، چشم‌انداز بین‌المللی روسیه را شکل می‌دهند و راهبردها، اهداف کلان، اهداف عملیاتی حوزه سیاست خارجی و سیاست دفاعی-امنیتی و تسلیحاتی در راستای نیل به محورهای چشم‌انداز تعریف می‌شوند.

سیاست تسلیحاتی جدید روسیه در منطقه غرب آسیا شامل سه سیاست کلی حفظ و توسعه همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی موجود، احیای بازارهای تسلیحاتی شوروی سابق و ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی در منطقه را می‌توان مرهون دو دسته مؤلفه‌های پایدار و کنشی ارزیابی کرد که در هر دو دسته، فرهنگ استراتژیک این کشور نقش مؤثری ایفا می‌کند.

مؤلفه‌های پایدار الزامات، ترجیحات و واقعیت‌های صحنه‌اند که از تغییرپذیری محدود و از دوام نسبتاً بالایی برخوردارند (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۰). عواملی نظیر ایدئولوژی، مداومت تاریخی، توان اطلاعاتی و قدرت نظامی و دارایی‌های مادی بسترهای شکل‌گیری فرهنگ استراتژیک روسیه هستند که این فرهنگ استراتژیک نیز به نوبه



خود در مسیر تحقق محورهای چشم‌انداز بین‌المللی این کشور حرکت می‌کند. برای مثال احیا در سطح جهانی و رسیدن به منزلت «قدرت بزرگ» اقتضا می‌کند روسیه فراتر از حوزه منافع ممتاز خود (مشترک‌المنافع)، در خارج از خانه و در سطح جهانی و به‌طور خاص در برخی پرونده‌های مهم جهانی وارد شود و ایفای نقش کند. تکاپوی سازندگان تسلیحات روسی و در رأس آنها شرکت روس آبارون اکسپورت به‌عنوان بزرگ‌ترین مجتمع دولتی سیاست‌گذار و ارائه‌کننده تسلیحات و خدمات فنی-نظامی در سال‌های اخیر و تلاش برای شرکت فعال در نمایشگاه‌های تسلیحاتی منطقه را باید در راستای توسعه حضور تسلیحاتی این کشور در منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از مناطق مورد توجه جهان و ایفای نقش جهانی در معادلات این منطقه قلمداد کرد.

مؤلفه‌های کنشی نیز که به‌نوعی پاسخ به ورودی‌های آشوب‌ساز شمرده می‌شوند (همان)، نقش بسزایی در سیاست‌های تسلیحاتی و اساساً حضور تسلیحاتی روسیه در منطقه دارند. رخدادهایی نظیر گسترش ناتو به شرق، انقلاب‌های رنگین، مناقشه گرجستان، مناقشه اوکراین، تحریم‌های سنگین اقتصادی غرب برضد روسیه، ظهور گروه‌های تروریستی در منطقه و تهدید منافع روسیه از مواردی هستند که از نگاه فرهنگ استراتژیک روسیه، تجاوز غرب به روسیه و منافع این کشور تحلیل می‌شوند و مقابله با آن به هر شکل (از جمله ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی منطقه) را الزامی می‌سازند. حمایت تسلیحاتی از کشورهای در حال جنگ با تروریزم در منطقه از سوی روسیه را در این چهارچوب باید تحلیل کرد.

بی‌تردید شروع بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱ و ورود نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ به بحران، نقطه عطفی در تغییر سیاست خارجی و در نتیجه سیاست تسلیحاتی روسیه در قبال منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌رود؛ سیاستی که نه تنها حصول منافع روسیه در منطقه را پیگیری می‌کند، بلکه ایفای نقش جهانی و به رسمیت شناخته شدن «قدرت بزرگ» این کشور را نیز مد نظر دارد.



نتیجه‌گیری

فروپاشی شوروی به‌مثابه شوک بزرگ عمل کرد و فرهنگ استراتژیک روسیه جدید تحت تأثیر این شوک بزرگ، متفاوت با فرهنگ استراتژیک شوروی تدوین یافت. مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک روسیه شامل درک روسیه از خود، برداشت درباره‌ی نظم جهانی، درک از تهدید و سبک خاص سیاست امنیتی این کشور در جریان دهه‌ی اول پسا شوروی شکل گرفت و به‌صورت جدی سیاست خارجی و امنیتی این کشور را متأثر ساخت و موجب شکل‌گیری چشم‌انداز بین‌المللی این کشور شد که بر چهار محور احیای قدرت در سطح جهانی، قدرت هنجارمند، تأکید بر چندجانبه‌گرایی و حفظ منطقه‌ی منافع ممتاز خود استوار است.

پس از یک دهه سرگردانی هویتی، از ابتدای دهه‌ی ۲۰۰۰ میلادی اجرای محورهای چشم‌انداز در دستور کار قرار گرفت؛ دکترین جهان چندقطبی پوتین موجب توجه بیشتر به منطقه‌ی غرب آسیا شد و با رخداد جریان موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱، دستگاه سیاست خارجی این کشور توجه ویژه‌ای را به این منطقه معطوف داشت. سیاست‌های تسلیحاتی روسیه برآمده از مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک این کشور با هدف افزایش نفوذ سیاسی و انتفاع اقتصادی در راستای نیل به محورهای چشم‌انداز بین‌المللی به‌خصوص احیای قدرت در سطح جهانی و تأکید بر چندجانبه‌گرایی تعریف شده و تقویت توان تسلیحاتی در داخل (اجرای برنامه‌ی اصلاحات نیروهای مسلح و سامان‌دهی مجدد مجتمع‌های بزرگ نظامی) و توجه به بازارهای صادرات تسلیحات، سرلوحه‌ی این سیاست‌ها قرار گرفت.

در این بین مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک روسیه به‌خصوص تقابل با غرب و احساس تهدید از سوی غرب، مهم‌ترین عامل مؤثر بر تقویت مشارکت این کشور در روندهای تسلیحاتی منطقه‌ی غرب آسیاست و روسیه می‌کوشد ضمن حفظ بازارهای تسلیحاتی موجود، احیای بازارهای تسلیحاتی سنتی شوروی سابق و ایجاد روابط نظامی و تسلیحاتی با کشورهای محور غربی را پیگیری کند تا از این طریق، جلو شکل‌گیری نظام بین‌الملل مداخله‌گر به رهبری امریکا را بگیرد. شواهد و قراین موجود بیانگر آن است که روس‌ها در این خصوص به‌نسبت موفق عمل کرده‌اند و تداوم این روند ثبات بیشتر و شکل‌گیری نظام بین‌الملل چندقطبی را برای این منطقه به ارمغان خواهد آورد.



منابع فارسی

- حاجی یوسفی، امیرمحمد و عباس ذوالفقاری (۱۳۹۶). «فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه». فصلنامه روابط خارجی، س ۹، ش ۲، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۵-۱۹۲.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۲). اصول و فنون نگارش گزارش راهبردی، جزوه درسی.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.

منابع لاتین

- AljazeeraNews agency's web site, Why Turkey might buy Russia's S-400 defence system, 24 March 2017 (<http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2017/03/turkey-buy-russia-s400-missile-defence-system-170323131537509.html>).
- Al-monitor News agency's web site, Is Russia's planned missile sale to Turkey the real deal?, 10 May 2017 (<http://fares.al-monitor.com/pulse/originals/2017/05/russia-plan-missile-sale-turkey-military.html>).
- AlarabyNews agency's web site, Vladimir Putin is taking aim at Middle East economies, targeting greater regional influence, 13 March, 2017 (<https://www.alaraby.co.uk/english/indepth/2017/3/13/weapons-sales-the-key-to-russias-middle-east-agenda>).
- Britz, Malena (2016). *European Participation in International Operations, The Role of Strategic Culture*, Palgrave Macmillan.
- Connolly, Richard & Sendstad, Cecilie (2017). Russia's role as an arms exporter: The strategic and economic importance, *Research paper, Russia and eurasia programme*, March 2017.
- Degaut Pontes, Marcos Rosas (2016). *Ideas, Beliefs, Strategic Culture, and Foreign Policy: Understanding Brazil's Geopolitical Thought*, Doctoral Dissertation, University of Central Florida.
- Engstrom, Maria (2014). Contemporary Russian Messianism and New Russian Foreign Policy. *Contemporary Security Policy* 35: 3.

- Ermarth, Fritz (2006). Russian Strategic Culture: Past, Present, and... in Transition? *Defense Threat Reduction Agency Advanced Systems and Concepts Office*, USA.

- ExpertOnlineNewsagency's website, Россия усиливает позиции на рынке вооружений Ближнего Востока, 17 October 2017 (<http://expert.ru/2016/08/11/oruzhie/>).

- GazetaNews agency's web site, Оружиекормит, 15 september 2016 (<https://www.gazeta.ru/army/2016/09/15/10195433.shtml>).

- Inosmi's website, Арабы и Россия: диверсификация отношений, 30 March 2016 (<http://inosmi.ru/politic/20160330/235916614.html>).

- Jakštaitė, Gerda (2010). Containment and engagement as middle-range theories, *Baltic journal of law & politics*, v. 3, n. 2.

- Johnson, J. & K. Kartchner & J. Larsen (2009). *Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction*. USA, Palgrave MacMillan,

- Kennan, George (1947). The Sources of Soviet Conduct, *Foreign Affairs*, July Issue NO25.

- Klein, Margarete (2012). Russia's Policy on Syria: On the Way to Isolation?, *German Institute for International and Security Affairs* (SWP).

- Klein, Yitzhak (1991), A theory of strategic culture, *Comparative strategy*, v. 10, p. 3-23.

- Kozhanov, Nikolay (2016). *Russia and the Syrian Conflict: Moscow's Domestic, Regional and Strategic Interests*, Berlin, Germany, Gerlach Press.

- Lavoy, Peter (October 2005). Pakistan's Strategic Culture: A Theoretical Excursion. *Strategic Insights*, Volume IV, Issue 10.

- Mankoff, Jeffrey (2009). *Russian Foreign Policy: The Return of Great Power Politics*. UK, Rowman & Littlefield Publishers, Inc.

- McNabb, David E. (2016). *Vladimir Putin and Russia's Imperial Revival*. USA, CRC Press Taylor & Francis Group.

- Mirprognozov's website, Арабские страны и Россия: перспективы стратегических отношений, 2017 (<http://www.mirprognozov.ru/>)



prognosis/politics/arabskie-stranyi-i-rossiya-perspektivy-i-strategicheskikh-otnosheniy/).

- Larry F. Moore, Craig C. Pinder (1980). *Middle Range Theory and the Study of Organizations*, Springer press.

- Olikier, Olga & Keith Crane (2009). *Russian Foreign Policy: Sources and Implications*. USA, RAND Corporation.

- Politrussia' website, Взлеты и падения российского экспорта вооружений, 12 february 2016, (<http://politrussia.com/vooruzhennye-sily/vzlety-i-padeniya-810/>).

- Remarks of the President of the Russian federation (2014) Обращение Президента Российской Федерации. 14 марта 2014. (<http://kremlin.ru/events/president/news/20603>)

- Remarks of the President of the United States (2016). Russia uses force to recover lost glory, says Obama. 20 Sep, 2016 (<https://www.rt.com/usa/360061-obama-russia-threat-military/>).

- Rosabaronexport' website, Сотрудничество с Турцией, 2016 (<http://roe.ru/export/turtsiya>).

- Rosa, Paolo (2016). *Culture and Italy's military behavior: Between pacifism and realpolitik*, Lexington Books.

- Russian National Security Strategy (2015). Стратегия национальной безопасности Российской Федерации. approved by President of the Russian Federation Vladimir Putin on December 31, 2015 (<http://www.scrf.gov.ru/security/docs/document133/>).

- Russian Foreign Policy Concept. 2016. Foreign Policy Concept of the Russian Federation. approved by President of the Russian Federation Vladimir Putin on November 30, 2016 (http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptICk6BZ29/content/id/2542248).

- RusvesnaNewsagency's website, Экспорт оружия из России за 5 лет вырос на 28%, 22 February 2016 (<http://rusvesna.su/news/1456120931>).

Selimozertem, hasan (2015). *Russia's Shifting Strategy in Syria and its*



Implications for Turkish oreign policy. *International Strategic Research Organization* (USAK), Turkey.

- Sinovets, Polina (July 2016). From Stalin to Putin: Russian Strategic Culture in the XXI Century, Its Continuity, and Change. *Philosophy Study*, v. 6, n. 7.

- SIPRI Arms Transfers Database (20 Feb 2017) (<https://www.sipri.org/commentary/blog/2017/state-major-arms-transfers-8-graphics>).

- SIPRI Arms Transfers Database (3 November 2017) (<http://armstrade.sipri.org/armstrade/page/values.php>).

- Smith, Ben (2016). *Russian Foreign and Security Policy*. UK, The House of Commons Library research service.

- Snyder, Jack (1977). *The Soviet Strategic Culture: Implications for Nuclear Options*. USA, Rand Inc. publications.

- TassNewsagency's website, Эрдоган заявил о подписании с РФ соглашения о поставках С-400 (25 July 2017) (<http://tass.ru/mezhdunarodnaya-panorama/4438696>).

- The Jamestown foundation's web site, Growing Military and Regional Cooperation Inaugurates New Era in Russian-Turkish Relations (2 August 2017) (<https://jamestown.org/program/growing-military-and-regional-cooperation-inaugurates-new-era-in-russian-turkish-relations/>).

- The voice of Russia's web site, Majority of Russians believe that Russia is great power – poll. (25 April 2014) (http://sputniknews.com/voiceofrussia/news/2014_04_25/Majority-of-Russians-believe-that-Russia-is-great-power-poll-6569/).

- Zvezda'sTVwebsite, Свыше 600 образцов российского вооружения были испытаны в Сирии (24 August 2017) (<https://tvzvezda.ru/news/forces/content/201708241704-lx2c.htm>).

- Valдай Speech (2015). Заседание Международного дискуссионного клуба «Валдай». (<http://kremlin.ru/events/president/news/50548>).

- Wikipedia' website, Реформа Вооружённых сил России (2008—2020), 07 Oktober 2017, (https://ru.wikipedia.org/wiki/Реформа_



Вооружённых_сил_России_(2008—2020)).

- Задохин, Александр (2002). *Внешняя политика России: национальное сознание и национальные интересы*. Дипломатическая академия МИД России, Москва.

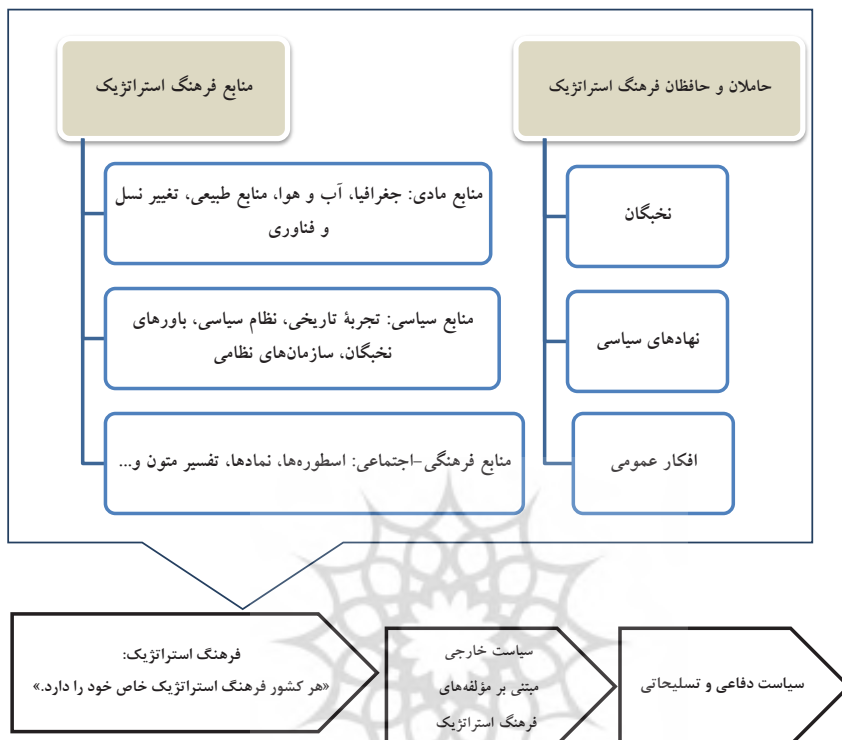
- Лукин, Владимир & Мусиенко, Тамара (2016). Стратегическая культура: эволюция теории. *Теоретический журнал "CredoNew"*, № 2 (86) 2016, Россия, Санкт-Петербург.

منابع اینترنتی

- پایگاه اینترنتی تلویزیون الکوثر، عربستان با خرید اس.۴۰۰ دنبال چیست؟، ۲۵ مهر ۱۳۹۶ (<http://fa.alkawthartv.com/news/99089>).
- پایگاه اینترنتی خبرگزاری اسپوتنیک، آیا روسیه قرارداد فروش اس.۴۰۰ را با عربستان امضا خواهد کرد؟، ۲۱ مهر ۱۳۹۶ (<https://ir.sputniknews.com/>) world/۲۰۱۷۱۰۱۳۲۹۲۲۴۳۵-انعقاد-۲۰٪ قرارداد-۲۰٪ فروش-۲۰٪ اس.۴۰۰-۲۰٪ به عربستان-۲۰٪ در-۲۰٪ آینده-۲۰٪ نزدیک/).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





شکل شماره ۱: رابطه بین سیاست دفاعی و تسلیحاتی هر کشور با فرهنگ استراتژیک آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی